

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیل علیرضا پناهیان از فرآیند و نتایج انتخابات مجلس

۸ اتفاق خوب در این انتخابات و
پاسخ به چند پرسش



چرا از فهرست متحد حمایت کردیم؟
آیا افراد مستقل باید اتحاد می‌کردند؟
چرا مشارکت راضی‌کننده بود؟
علت کاهش مشارکت و رأی ندادن بسیاری از مردم چه بود؟
نقش مهم «تغییر ادبیات انقلابیون» در این انتخابات و لزوم استمرار آن!
مهم‌ترین رسالت مجلس بعدی چیست؟

بیان‌مکتوبی

Panahian.net

لزوم تبریک و شکرگزاری از اتفاق‌های خوب و بسیار مهم در این انتخابات

انتخابات واقعی همیشه یکی از نقاط عطف و فرصت‌های مهم برای یک جامعه است. انتخابات، فارغ از اینکه نتیجه‌اش چه باشد، جامعه را یک قدم بزرگ به جلو می‌برد. و البته هرچقدر نخبگان جامعه قبل و بعد از انتخابات هوشمندانه‌تر عمل کنند، قدم بزرگ‌تری برداشته خواهد شد. در انتخابات است که جامعه قوت‌ها و ضعف‌های خودش را می‌بیند و همین دیدن، مقدمه و زمینه‌تثبیت و تقویت قوت‌ها و رفع ضعف‌ها می‌تواند و باید باشد. نکته مهم این است که اگر پس از هر انتخابات، تحلیل و زاویه نگاه صحیحی به مسائل و نتایج آن نداشته باشیم، چه بسا نقاط قوت جامعه را ضعف، یا نقاط ضعف را قوت ببینیم! و این خیلی بد است! زیرا خطر و خسارت ندیدن «نقاط مثبت»، بعضاً بیش از ندیدن «نقاط ضعف» است. چرا که اصلاح ضعف‌ها، فقط و فقط با اتکا بر قوت‌ها امکان‌پذیر است. و اگر نقاط قوت‌مان را نبینیم و نشناسیم، تقریباً مانند جامعه‌ای خواهیم بود که اصلاً آن قوت‌ها را ندارد! چه برسد به اینکه قوت‌ها را به جای قوت، ضعف ببینیم!

بنابراین برشمردن صحیح نقاط قوت و اتفاق‌های خوب در هر انتخابات، و قدردانی و خوشحالی جامعه از آن قوت‌ها یکی از مهم‌ترین کارهایی است که در کنار آسیب‌شناسی انتخابات باید انجام دهیم. زیرا این برشمردن، قدردانی و شکرگزاری، خیلی در پیشرفت جامعه مؤثر است. گرچه ما به دلایل مختلف، معمولاً بیشتر به آسیب‌شناسی انتخابات می‌پردازیم و از این کار مهم، غفلت می‌کنیم، اما در سیره امام و رهبر عزیز انقلاب، می‌بینیم که چگونه ایشان بعد از هر انتخاباتی نقاط قوت را روی دست می‌گیرند و از آن قدردانی می‌کنند.

و اما در این انتخابات، اتفاق‌های خوب و بسیار مهمی افتاد که جای تبریک و شکرگزاری دارد. در مقطع و شرایط کنونی جامعه ما، توجه و شکرگزاری از این اتفاق‌های خوب، و سپس تقویت و تثبیت این نقاط قوت، اولین و شاید مؤثرترین اقدام برای پیشرفت جامعه باشد.

برخی از این اتفاق‌های خوب و مهم عبارتند از:

۱ حرکت خوب شورای ائتلاف در ائتلاف جریان‌ها و مردمی‌تر شدن

یکی از آن اتفاقاتی که این بود که مجموعه‌ای به نام «شورای ائتلاف» تشکیل شد، اگرچه قبلاً هم چنین همگرایی‌هایی رخ می‌داد، اما با محوریت شخصیتی مثل آیت‌الله مهدوی کنی (ره) بود که یک جایگاه پدری برای همه جریان‌ها در تهران داشتند. ولی الان بدون حضور ایشان، این اتفاق صورت گرفت، یعنی شورای ائتلاف، بدون اینکه محوریت برجسته‌ای - مثل آقای مهدوی کنی (ره) - حضور داشته باشد، توانست تا حدی جریان‌های مختلف را (از مؤتلفه تا برخی جریان‌های جوان‌تر) دور هم‌دیگر جمع کند، این یک نکته برجسته و قابل تحسین است.

همچنین برای تعیین افراد لیست نهایی، تا حدی به رأی و نظر عموم بچه‌های مذهبی و مردمی که چنین گرایشی داشتند، مراجعه شد. ضمن اینکه جوان‌هایی هم به عنوان نامزد در لیست شورای ائتلاف حضور پیدا کردند.

اگرچه مطابق برخی روایت‌ها، در فهرست نهایی سهم‌خواهی‌هایی از جانب افراد، احزاب و جریان‌ها صورت گرفته، ولی اگر هم این اتفاق افتاده باشد، یک مقدار نسبت به آن وضع سابق - که صرفاً سهم جریان‌ها در بستن لیست نهایی مؤثر بود - تغییر پیدا شد و این تغییر هم، طبق آنچه اعلام کردند بر اساس رأی‌گیری‌ها یا نظرسنجی‌هایی بود که در محله‌ها انجام گرفت. لذا می‌توان گفت که شورای ائتلاف یک مقدار مردمی‌تر از قبل عمل کرده است.

البته وقتی جریان‌های سیاسی دور هم جمع می‌شوند معلوم است که هرکدام به سهم خود، از همفکران خود، پیشنهاد می‌دهند که در لیست باشند. نفس سهم‌خواهی منفور نیست. آنچه منفور است این است که در جریان سهم‌خواهی، لیاقت‌ها ندیده گرفته شود و باندبازی و فامیل‌بازی صورت بگیرد، و یا جریانی بیش از سهم خود طلب کند، و یا فضای اخوت، مدارا، انعطاف، کوتاه آمدن و به طور خلاصه فضای «رحماء بینهم» که بین مؤمنین باید جاری باشد، کم‌رنگ باشد.

۲ اتحاد مهم، بین «پایداری» و «شورای ائتلاف» و تنازل عقلانی دوطرف به‌ویژه پایداری

اتفاق دیگری که برجسته‌تر بود و مردم بیشتر متوجه آن شدند، اتحاد ولو دیرهنگام ولی حساس و مهم بین جریان پایداری و شورای ائتلاف بود. هرکدام از اینها برای خودشان ملاک‌هایی داشتند، اما توانستند با هم توافق کنند. اما چرا این توافق سخت بود؟ به این دلیل که واقعاً ما جناح‌های سیاسی مختلفی در کشور داریم، این واقعیتی است که باید بپذیریم و البته بد هم نیست. بالاخره ملاک‌های این جناح‌ها برای انتخاب فرد اصلح، واقعاً فرق می‌کند، هر کدام از این جریان‌ها هم در جامعه، طرفدارانی دارند.

مثلاً یک جریان می‌گوید «کسی که یک‌ذره به برجام، بله گفته است، ما قبولش نداریم». اما یک جریان دیگر می‌گوید: «این طور نیست که برجام به این صورت خط قرمز باشد، ممکن است کسی یک مقدار هم با برجام، همراهی کرده باشد ولی از خط ولایت که خارج نشده است...» بالاخره این اختلاف نظر

و این تفاوت‌ها وجود دارد و نباید این تفاوت‌ها را انکار کرد و اساساً در هر انتخاباتی رقابت باید بین این دیدگاه‌های مختلف، شکل بگیرد.

اصل اتحاد و یکسان‌سازی جریان‌های معتقد به نظام همیشه امر مطلوبی نیست / نباید پایداری را به‌خاطر مقاومت بر اصولش مذمت کرد

اصل اینکه این اتحاد بین جریان‌ها صورت بگیرد (به این معنا که همه اینها یک جریان محسوب شوند) همیشه امر مطلوبی نیست، چون اگر همیشه بنا بر اتحاد باشد، پس رقابت بین اینها، کی باید صورت بگیرد؟! اصلش این است که همین جریان‌های معتقد به نظام و انقلاب، باید در انتخابات با هم رقابت کنند و وزن‌کشی کنند و تلاش کنند تا مردم را نسبت به افکار خود متقاعد کنند.

پس اصل دشوار بودن اتحاد بین این جریان‌ها طبیعی بود؛ نباید جریان پایداری را به‌خاطر مقاومت بر اصولش مذمت کرد. نباید این تصور و انتظار پیش بیاید که همه دلسوزان کشور باید دائماً از تفاوت مواضع خود کوتاه بیایند. در نهایت شاید این جریان پایداری بود که خیلی کوتاه آمد و البته قابل تحسین و تقدیر بود.

ولی بالاخره این کار سخت، به مصالحی که خواهیم گفت انجام شد و این خیلی ارزشمند است؛ چون تفاوت نظرات جدی است. البته این توافق یا اتحاد، دیرهنگام بود اما شاید اگر دیرهنگام نبود هم، این اثر را نداشت. یعنی همین‌که دیرهنگام بود و همه متوجه شدند که این اتحاد، به‌سختی صورت گرفت، خودش یک انرژی ایجاد کرد.

در شرایط فعلی چاره‌ای جز اتحاد نبود

الان شرایط و فضای انتخابات متأسفانه به‌گونه‌ای است که عده‌ای سعی می‌کنند با دروغ و شعارهای فریبنده و اتهام‌زنی علیه رقیب، رأی بیاورند، این عده نشان داده‌اند که مواضع ضد منافع ملی و به‌شدت سازشکارانه دارند، ضمن اینکه به مردم هم خدمت نمی‌کنند. لذا در این شرایط، برای اینکه این افراد با عوام‌فریبی بالا نیایند، جریان‌های انقلابی و جناح‌های مدافع منافع ملی، مجبور هستند با هم اتحاد کنند.

آن‌جایی که عوام‌فریبی می‌کند و موتور تبلیغاتی قوی هم دارد و تمام رسانه‌های دشمن هم از آنها پشتیبانی می‌کنند و با فریب‌کاری، دنبال سازش با دشمن است، اگر به واسطه باز شدن دستشان نزد مردم و هوشمندی مردم، در انتخابات قدرت فریب زیادی نداشته باشند، تازه اصل رقابت باید بین این جریان‌هایی که منافع ملی را دنبال می‌کنند، برقرار می‌شود.

حضور «نامزدهای مستقل انقلابی و جریان عدالت‌خواه» نشان‌دهنده پویایی فضای سیاسی و محدودنشدن به جریان‌های موجود بود

اتفاق خوب دیگری که افتاد، این بود که چند نفر از نامزدها به صورت مستقل در صحنه باقی ماندند، برخی از این دوستان، اسمشان نه در لیست پایداری بود و نه در لیست شورای ائتلاف. همچنین حضور جوانان عدالت‌خواه در این انتخابات با همه اعتراضی که به جریان‌های دیگر داشتند امر مبارکی بود. اینها هم وارد صحنه شدند و مورد توجه مردم هم قرار گرفتند.

این مسئله نشان داد که پویایی فضای سیاسی ما این قدر بالا هست که به دو سه تا جریان شاخص، محدود نمی‌شود و این یک امتیاز است. برخی از دوستان در این روزهای اخیر، اصل اینکه چند نفر هم به طور مستقل وارد صحنه بشوند را تخطئه می‌کردند. درحالی‌که اگر یک طرز تفکری در هیچ‌یک از جریان‌ها جا نگرفت- و البته نماینده بخشی از افکار عمومی مردم هم بود- باید چه کار کند؟ بالاخره اینها هم باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند و وجودشان هم بسیار مفید است ولو ممکن است خیلی‌ها به منش یا روش گفتار آنها انتقاد داشته باشند. آنها هم از دیگران انتقاد دارند.

آیا افراد مستقل باید اتحاد می‌کردند؟

حالا آیا همه اینها باید با هم اتحاد می‌کردند یا نه؟ این دیگر به تشخیص خودشان بستگی داشت. برخی معتقد بودند خطر رقبای سازشکار زیاد نیست و باید در صحنه ماند پس بر این مبنا کار درستی کردند. اگر می‌دیدند که خطر آنها بالا نیست، طبیعتاً نباید اتحاد می‌کردند. برخی هم شاید معتقد بودند اصلاً ما صرفاً به این نتیجه (نتیجه انتخابات) ملتزم نیستیم، بلکه دنبال یک نتیجه مهم‌تری هستیم که تأثیر خودش را در انتخابات‌های بعدی خواهد گذاشت و آن این است که این حرف‌ها و این تفکر انقلابی بین مردم بیاید و شنیده شود، و به همین دلیل باید مستقل بمانیم. خب اگر کسی این جور معتقد باشد و این بخشی از مواضع اصولی او باشد، چرا نباید در صحنه به صورت مستقل بماند؟ در انتخابات همیشه و لزوماً انسان نباید دنبال پیروزی باشد، گاهی ممکن است برخی اهداف و نتایج دیگر مهم‌تر از نتیجه انتخابات باشد، و یا لاقلاً تکلیف برخی این باشد که به آن نتایج بلندمدت بیشتر از نتیجه انتخابات فعلی توجه کنند.

نباید یکدیگر را در فضای سیاسی، تخطئه و تکفیر کنیم / گاهی ممکن است «اتحاد و اهتمام به نتیجه انتخابات» وظیفه باشد، و گاهی خیر

بله، گاهی هم ممکن است اتحاد و کوتاه آمدن و اهتمام به نتیجه انتخابات وظیفه بشود. ولی به هر حال نباید یکدیگر را در فضای سیاسی تخطئه و تکفیر بکنیم. برخی اینگونه فکر می‌کنند و برخی به گونه دیگری. اصل انتخابات محل تضارب آراء است.

همچنان که کسانی را که صددرصد انقلابی نمی‌دانیم و سهم برخی از جریان‌ها در فهرست می‌دانیم، نباید تخطئه کنیم؛ بالاخره بعضی‌ها این روش را برای انقلابی‌گری می‌پسندند و تشخیص می‌دهند؛ نباید آنها را در جریان یک اتحادی که مصلحت، پیش آورده است، دورریخت و توهین کرد. این طرز تفکر و این منش که ممکن است زیاد انقلابی به نظر نرسد، چه بسا در میان مردم طرفدارانی داشته باشد؛ هرچند ما به آن انتقاد داشته باشیم. کما اینکه برخی که چندان ممکن است انقلابی به نظر نرسند در این انتخابات رأی خوبی آوردند.

به صحنه آمدن برخی از اهل علم که بین مردم شناخته شده هستند

۴

اتفاق مبارک دیگری که در این انتخابات رخ داد، این بود که عده‌ای از اهل علم و اهل سخن و عده‌ای از جوان‌های دانشگاهی که بین مردم شناخته شده هستند، دور همدیگر جمع شدند و از لیست اتحاد، حمایت کردند. همین به صحنه آمدن این افراد شاخص و تأییدکردن موثر یک لیست نهایی، خودش یک اتفاق مبارک بود، این آقایان اکثراً از ناحیه مردم تحت فشار بودند که «بگویید ما به چه افرادی یا به کدام لیست رأی بدهیم؟» حُسن این حضور، هم کمک به شور انتخابات بود، و هم کمک به ایجاد اتحاد که این آقایان برای ایجاد وحدت هم تلاش کردند و بنا بود اگر وحدت ایجاد نشد لیست مستقلی صادر کنند.

البته بعد از اینکه این «لیست وحدت» منتشر شد، باز هم جا داشت که این جمع یک لیست بدهد، چون برخی افراد خارج از لیست را بر برخی افراد این فهرست ترجیح می‌دادند، ضمن اینکه درباره اینکه چه کسانی را بگذاریم و چه کسانی را برداریم اختلاف نظرهایی وجود داشت، ولی اولاً فرصت این گفتگوها و بررسی‌ها نبود و ثانیاً به احترام آن اتفاق بزرگی که افتاده بود و اتحادی که رخ داده بود، ما لیست دیگری ندادیم. ضمن اینکه اگر لیست دیگری در آن فرصت اندک بیرون می‌آمد، شاید بر حیرت مردم افزوده می‌شد.

حمایت ما از لیست وحدت، دلیل بر قبول نداشتن افراد خارج این لیست، نبود

هرچند نتیجه «لیست وحدت» کاملاً مورد پسند ما نبود، ولی به احترام این وحدتی که شکل گرفته بود و برای دفاع از اتحاد این دو جریان انقلابی، تصمیم بر این شد که دیگر لیست ندهیم و بر همان لیست وحدت، تأکید کنیم.

ممکن است بعضی از دوستان از تأکید بر فهرست نهایی وحدت انتقاد کنند و شاید این انتقاد واقعاً به‌جا هم باشد، ولی جهت اطلاع عرض می‌کنم که فهرست مجدد ندادن، دلیل بر قبول نداشتن کسانی که نامشان خارج از فهرست اتحاد بود نبود و دلیل بر قبول تمام افراد موجود در فهرست هم نبود. اگر فرصت کافی وجود داشت قطعاً اتفاق دیگری می‌فتاد و فهرست متفاوتی ارائه می‌شد.

اساساً شاید چنین جمعی از علما باید زودتر و بیشتر به میدان می‌آمدند، تا زودتر به فهرست بهتر



می‌رسیدیم. نمی‌دانم در این زمینه چه باید گفت، ولی خیلی‌ها مثل بنده کنشگر سیاسی و فعال در احزاب و گروه‌ها نیستند و اگر نظری می‌دهند به عنوان یک منتقد، اظهار نظر می‌کنند. لزوماً نباید هر کسی منتقد شد، از او خواست که بیاید در صحنه و کار سیاسی بکند. ضمن اینکه چنین افرادی که بیشتر کار فکری انجام می‌دهند، در مقام عمل معلوم نیست بتوانند و بشود همه نظرات را به هم نزدیک کنند. ولی به هر حال حضور در صحنه‌های سیاسی لااقل در همین حد، غنیمت است.

مطرح‌شدن شعارهای خوبی مثل شفافیت/ از مجلس جدید، می‌توان شفافیت و کوتاه‌نیامدن مقابل رفتار غلط دولتمردان را مطالبه کرد

اتفاق خوب دیگری که در این انتخابات رخ داد، این بود که شعارهای خوبی مطرح شد؛ مثل «شفافیت، مقاومت، عدالت، نظارت قوی بر رفتار دولتمردان و...» اینها جزو شعارهایی بود که در تهران و شهرستان‌ها، رأی آوردند و این اتفاق مبارکی است که مردم به این شعارها، توجه کردند و این شعارها نزد مردم، مطلوب بود.

حالا راحت‌تر می‌توان از این مجلس جدید، شفافیت، نظارت قوی بر دولت، اجرای عدالت و جلوگیری از مفاسد و... را مطالبه کرد. ضمن اینکه یک مقدار خیال مردم راحت‌تر می‌شود از اینکه می‌بینند کسانی وارد مجلس شده‌اند که معتقد به مبارزه با فساد و مقاومت در برابر دشمن هستند. ان شاء الله با نظارت قوی این نمایندگان، اوضاع مملکت به سامان خواهد شد و دیگر کوتاه‌آمدن در برابر رفتار غلط دولتمردان در کار نخواهد بود.

ما از مجلس فعلی تا انتقاد می‌کردیم بدترین اهانت‌ها و توهین‌ها را از برخی نمایندگان می‌شنیدیم و این برازنده مجلس نبود. دولت هم که به منتقدان خود توهین میکند. ولی امیدواریم توهین به منتقدان در این مجلس پیش نیاید. در کل این مجلس جدید باید بداند که مطالبه‌گری از ایشان سخت‌تر خواهد بود، هم باید طاقت انتقاد داشته باشد و هم ان شاء الله جایی برای انتقاد نگذارد.

میزان مشارکت مردم با وجود همه مشکلات و شایعه‌ها، راضی‌کننده است

نکته خوب دیگری که در این انتخابات رخ داد، مشارکت جدی بخش قابل توجهی از مردم است؛ درست است که میزان مشارکت نسبتاً کم بود، ولی با توجه به نارضایتی شدید مردم از عملکرد مسئولان و عملیات روانی رسانه‌های بیگانه و نیز خبر شب قبل از انتخابات درباره کرونا، حضور در برخی حوزه‌ها به ویژه تهران کم شد. اما در مجموع، این مقدار مشارکت، با توجه به همه موانع، راضی‌کننده است؛ غیر از تهران که به دلایل خاصی مشارکت کم‌تر بود.

«مشارکت کم» اولاً معلوم می‌کند که سطح نارضایتی از دولت و مجلس زیاد است و تبدیل به ناامیدی شده است و ثانیاً معلوم می‌کند که ما باید بیشتر کار کنیم تا صدا و منطقمان را به گوش همه برسانیم.

مطمئنم خیلی از ناامیدی‌ها را می‌شود با عملکرد خوب مجلس آینده برطرف کرد. جامعه ما پراز سوءتفاهم است و بسیاری از کسانی که در اثر ناامیدی از اصلاح امور در انتخابات شرکت نکردند، در اثر تبلیغات منفی چنین دیدگاهی پیدا کرده‌اند. اگر کار خوب تبیینی انجام شود، بسیاری از این سوءتفاهم‌ها برطرف شدنی است. امیدوارم این مجلس گام موثری در رفع سوءتفاهم‌ها بردارد. به هر حال بخش قابل توجهی از کسانی که در این انتخابات شرکت نکردند، اعتراضشان به عملکرد مسئولان و دولتمردان است. اگرچه بهتر بود با نوع انتخاب خودشان، به وضع موجود اعتراض کنند؛ مثل خیلی‌ها که در شهرها به منتقدان دولت رأی دادند.

جریان‌های غرب‌گرا و سازش‌کار، مردم را از سیاست، خسته و دل‌زده می‌کنند

در آن هشت سالی که جریان اصلاحات هم روی کار بود (در اواخر آن دولت) درصد مشارکت مردم در برخی انتخابات، به شدت پایین آمده بود. در اواخر این دولت هم باز می‌بینیم که مشارکت مردم در پایین می‌آید. جریان‌هایی که یک مقدار غرب‌گرا و سازشکار هستند و یک مقدار بی‌توجه به معیشت مردم هستند، معمولاً همین‌طور هستند؛ یعنی با عمل نکردن به وعده‌ها و بازی‌های غلط سیاسی و... مردم را از سیاست، خسته و دل‌زده می‌کنند؛ لذا کشورمان در زمینه مشارکت در امور سیاسی، مثل کشورهای اروپایی می‌شود (یعنی درصد مشارکت، پایین می‌آید) ابتدا این جریان‌ها با تخریب‌های گسترده و وعده‌های خیالی، یک هیجان کاذبی ایجاد می‌کنند ولی به مرور، همه را زده می‌کنند. همان کسانی که مدعی رأی مردم و رفاندوم و... هستند، عملاً مردم را از مشارکت در انتخابات دل‌زده می‌کنند و انگیزه مردم را برای شرکت در انتخابات، از بین می‌برند. البته بعضاً با زبان، به مردم توصیه می‌کنند که «در انتخابات شرکت کنید و...» اما کلامشان برای دعوت مردم به مشارکت، دیگر اثر ندارد، چون عملکرد خوبی ندارند.

اساساً درگیری‌های سیاسی و اپوزوسیون بازی، وقتی از حد بگذرد، مردم کلاً ترجیح می‌دهند سیاست را کنار بگذارند. جریان سیاسی حاکم بر دولت، مدیریت اجرایی کشور را در دست دارد، اما ساز مخالف با نظام می‌زند و گاهی ادای اپوزوسیون درمی‌آورد.

رونق روحیه انقلابی به واسطه شهادت سردار سلیمانی، اثر خودش را در انتخابات نشان داد

یکی از اتفاقات ارزشمند در این انتخابات اثر واضح و آشکار شهادت مظلومانه سردار سلیمانی بود. ملت ما نسبت به شهدا بسیار وفادار هستند و به صورت قاطع می‌شود گفت که شهادت سردار سلیمانی در رونق و جهت انتخابات نقش بسیار جدی داشت. فرقی نمی‌کند چه کسی به چه جریانی رأی داد، ولی سردار حقاً ملت را بیشتر متوجه مسئولیت سیاسی خود کرد.

البته شهادت این قهرمان ملی و جهانی ما فقط در «رونق انتخابات» نقش نداشت، بلکه موجب تقویت خط مقاومت و تضعیف جدی خط سازش شد و در «نتیجه انتخابات» هم اثر خودش را نشان داد.



امیدوارم مجلس جدید هم مسئولیت خود را به خوبی درک کند و خود را بیش از هر زمان مدیون خون شهیدان و این شهید عزیز بداند.

در این انتخابات، ادبیات انقلابیون، بهتر شد/ ادبیات انقلاب، یک ادبیات واقع‌بینانه و معطوف به بهبود معیشت مردم شد

امتیاز دیگر یا اتفاق خوب دیگری که در این انتخابات رخ داد، این بود که ادبیات انقلاب، یک ادبیات واقع‌بینانه، ادبیات مردمی و ادبیات معطوف به بهبود وضع دنیا و وضع معیشتی مردم شد و این ادبیات درستی است. یعنی به جای اینکه مدام از اصول و ارزش‌ها حرف بزنند و بگویند که «ما بر اصول خودمان پایبند هستیم...» فهرستی از دردهای جامعه و درمان‌ها را بیان کردند و مردم را امیدوار کردند. مثلاً گفتند: «ما می‌خواهیم شفافیت ایجاد بشود»

ما باید ادبیات انقلابی خودمان را یک مقدار اصلاح کنیم. اینکه ما انقلابی هستیم یعنی چه؟ یعنی «ما طرفدار عقلانیت هستیم»؛ این باید جا بیفتد. پایبندی بر اصول و ارزش‌های اسلامی یعنی چه؟ یعنی اینکه ما نمی‌گذاریم یک ذره از منافع مردم را رانت‌خوارها ببرند و نمی‌گذاریم یک ذره از منافع مردم را، دشمنان ببرند. این ادبیات در این انتخابات کمی اصلاح شد. البته تا نقطه مطلوب راه زیادی داریم.

علت رأی ندادن بسیاری از مردم، سوءتفاهم نسبت به جریان انقلابی است

الان خیلی از کسانی که منتقد دولتند اما به انقلابیون رأی ندادند، نسبت به انقلابیون دچار سوء تفاهم هستند و چه بسا نگران باشند از اینکه انقلابی‌ها رأی آورده‌اند! چرا؟ به خاطر اینکه طبل یک جریان سیاسی دروغ‌پرداز، بیش از ۳۰ سال است دارد می‌کوبد تا انقلابیون را در ذهن مردم خراب کند و متهم کند به تندروری و خشونت و غیرعقلانی بودن. یعنی با اتهام‌زنی و ترساندن مردم از نیروهای انقلابی و ارزشی، این نیروهای انقلابی را در نظر مردم، به یک «لولو» تبدیل کرده‌اند! علت رأی ندادن خیلی از کسانی که در انتخابات شرکت نکردند (و کسانی که اگر معترضند، به جریان رقیب هم نیامدند رأی بدهند) به خاطر همان لولویی است که از جریان انقلابی در ذهن مردم ایجاد کرده‌اند.

از طرف دیگر، ادبیات انقلابیون هم زیاد سوء تفاهم برطرف‌کن نیست، که البته در این انتخابات، ادبیات انقلابیون، بهتر شد، مثلاً همین‌که گفتند: مجلس قوی، کشور آباد و ایران سربلند می‌خواهیم. این تعبیر، به ظاهر تعبیر ارزشی نیست ولی انقلابی بودن چیزی جز اینها نیست.

در این انتخابات، ادبیات انقلابیون یک ادبیات همه‌فهم‌تر، کارکردگرایانه و معطوف به نتیجه شد

انقلابی بودن چیزی نیست جز: عقلانیت، تأمین منافع مردم، ایجاد کسب و کار، اجرای عدالت، جلوگیری از رانت و فساد، بهبود وضعیت زندگی مردم و رفاه و مقاومت در مقابل دشمنانی که می‌خواهند منافع ما را غارت کنند، قدرتمند شدن فرد، خانواده و جامعه... انقلابی بودن چیزی جز اینها نیست. انقلابی بودن، یعنی پرداختن به نیازهای انسان‌ها. اما انقلابیون معمولاً یک مقدار سوءتفاهم برانگیز صحبت می‌کنند و یک جریانی هم وجود دارد که همیشه نسبت به انقلابیون، اتهام‌زنی می‌کند و این‌طور القاء می‌کند که «انقلابیون یک‌عده افراد کم‌عقل هستند که می‌خواهند در خیابان‌ها، دیوار بکشند!» متأسفانه این تلقی اشتباه را سیاست‌بازان نامرد در بین مردم، جا می‌اندازند.

مهم‌ترین رسالت مجلس بعدی این است که نشان دهد «انقلابی بودن یعنی برنامه‌ریزی عقلانی و خدمت به مردم»/ نتیجه انقلابی بودن، آبادانی کشور است

اولین تکلیفی که ما داریم این است که سوءتفاهم‌ها را در جامعه برطرف کنیم. اگر این سوءتفاهم‌ها برطرف شود، جامعه خیلی در برابر تبلیغات دشمنان مصون خواهد شد. اگر این مجلس منتخب-که به نظر می‌رسد اکثراً انقلابی هستند- خوب عمل کند، اقدام اینها و ادبیات اینها، می‌تواند باعث رفع سوءتفاهم در بین مردم بشود.

رسالت مهم این مجلس، این است که برای مردم جاییاندازد، «انقلابی بودن یعنی برنامه‌ریزی بر اساس عقلانیت، خدمت خالصانه به مردم» باید معلوم بشود که نتیجه انقلابی بودن، آبادانی کشور و رفاه ملت است. انقلابی بودن یعنی اصرار داشتن بر منافع مردم، یعنی حفظ کردن احترام انسان‌ها، یعنی شفافیت، یعنی جلوگیری از رانت و فساد، و برقراری عدالت، یعنی ایجاد کسب و کار، یعنی نظارت محکم بر دولت تا یک وقت خطا نکند.

سال‌هاست که یک جریان سیاسی، این رفتار شوم را انجام می‌دهد که سعی می‌کند جریان انقلابی را با اتهام‌زدن، از صحنه کنار بزند. این اتهام‌ها باید برطرف بشود و معلوم بشود که انقلابی بودن یعنی چه؟ باید معلوم بشود که نتیجه انقلابی بودن، آبادانی کشور و آزادی جامع مردم است. نه صرفاً ادعای آزادی داشتن جریانهای غربگرا که پُر از دیکتاتوری روانی است و اتفاقاً جلوی بسیاری از آزادی‌ها را می‌گیرد.